



چه بگوییم؟ آیا خدا از روی بی انصافی عمل می کرد؟ هرگز! خدا یکبار به موسوی فرمود: اگر بخواهم با کسی مهربان باشم، با او مهربان خواهم بود. اگر بخواهم به کسی رحم بکنم، به او رحم خواهم کرد. پس برکات خدا به تلاش و کوشش مردم به آنها داده خواهد شد. بلکه به انتخاب خدای رحیم به مردم داده خواهد شد. فرعون پادشاه مصر نمون های از این قبیل است. خدا به او فرمود که قدرت پادشاهی را به او داد. هم تا نیروی عظیم خود را علیه او نشان دهد و تمام دنیا نام الهی مرا بخوانند پس خدا هر که را که بخواهد مطیع م بسازد و هر که را که بخواهد سرکش می کند. فقط به این دلیل که اینطور اراده کرده است. ممکن است بپرسید اگر چنین است پس چرا خداوند انسا نها را برای اعمالشان سرزنش م یکنند چون آنها کاری غیر از اراده خدا نم ی توانند بکنند. اما سؤال این است که تو ای انسان کیستی که این را از خدا می پرسی؟ آیا مخلوق بر افریننده م ی تواند ایراد بگیرد؟ که چرا مرا چنین ساختی؟ آیا کوزه گر حق ندارد از یک خمیر ظرفی زیبا و از همان خمیر ظرفی برای مصارف عادی بسازد؟ آیا خدا حق ندارد خشم خود را بر کسانی که گناه م یکنند و او تحملشان م یکنند فرود آورد؟ و آیا او حق ندارد ما را که برای پادشاهی او به انتظار نشست هایم را برای تماشای جلال و شکوهش دعوت کند، نه تنها یهودیان را بلکه غیر یهودیان را نیز؟

اجتماع عزیز در اتاق اجتماع ما یک صندلی خالی همیشه هست. این چه معنی م ی توانسته داشته باشد؟ آیا امروز یک مهمان اینجا میاد؟ ... اره، امروز ما یک سمینار داریم. موضوع این سمینار این است که ما روی این موضوع حرف میزنیم که ما نام های مسیحی هستیم. خداوند به این منظور ما را نوشته است. شاید این صندلی خالی هم به این معنا باشد که ما یک مهمان خیلی مهم را دعوت کنیم و او کسی نیست جز خداوند. شاید امروز او بخواهد با ما همراه باشد. ما م ی خواهیم این را از خدا بپرسیم که او برای ما چه برنامه های دارد. شاید او بتواند خیلی از مشکلات و ناامنی های روزمره زندگی ما را سرو سامان بنویسد و برای ما روشن کند که ما از آینده چه م بدهد. شاید او بتواند همه چی را از این برنامه الهی خودش برای ما دقیقاً تصویری باید داشته باشیم....؟ چه تصور م یکنید از اینکه خدا در کلیسای ما بیاد بگرده و بر روی این صندلی خالی در بین ما بنشیند و با ما بخواهد هم صحبت شود؟ شاید یک نامه بنویسد... به قلب ما قدم بگذارد چه تصویری از این دارید؟

حال بیاید این تصویری را که مجسم کردیم دنبال کنیم. اما قبل از این کار من اجازه م یخواهم از شما که یک مسأله کامل م چطوریه؟ این سؤال خیلی راح تتر از این است که بپرسیم، خدا راجع به ما م متفاوت را مطرح کنم. تصور ما از خدا معمول چی فکر می کند؟ این کاری بوده که از صدها سال پیش انسا نها انجام م یدادند و با استفاده از فلسفه و با نوشتن کتابهای قطور یا بیان تئور بیهای جدید به ترسیم تصویری از خدا پرداختند. بدون پی شداوری آدم م ی تواند بگوید که: خداوند یک چیزی مثل وری پدر م یماند که با فرزندان خودش بازی میکند و آنها را به تباهی م یکشاند برای اینکه خودش را سرگرم کند. او همیشه با سرافرازی در جایی ایستاده و با انگشت اشاره در حال سرزنش ماست. هر جا که اتفاق بدی میافتد ما همه چیز را به گردن خدا میاندازیم. او مثل یک پدری م یماند که با یک ترکه آماده تنبیه کردن همیشه حاضر است! بعضیها هم با ایجاد این تصور در ذهن مردم یک رویه سیاسی ساختن تا به قدرت برسند، با ترساندن مردم از خدا، هر منظوری که خودشان دارند را به عمل می رسانند. این داستان را از تاریخ خودمان ما خوب به خاطر داریم. در موقعیتی دیگر قرار گیرد. خدا مثل بابا نوئل م روی دیگر سکه اما این است که باعث شد تا جایگاه خدا و انسا نها کامل م یماند که برای بچ های خودش هدیه می آورد. او همیشه م یبخشد و برای همین هم اینجا هست و او همیشه گناهان فرزندان م را زیر فرش مخفی م یکنند، چون او پدری هست که عاشق فرزندان م است.

حال ما این تصورات انسانی از خدا را کنار م یگذاریم و م ببینیم که انجیل از خدا چی م یخواهد بگوید؟ در نامه رومیان که پولوس امروز برای ما نوشته است ، همه چی طور دیگری دارد جلوه می کند. او به ما نشان میدهد که اگر ما به طور متناسب درباره خدا حرف بزنیم این م ی تواند نقطه خروجی درست را به ما نشان دهد. او از افرینش یک کوزه گر حرف می زند. او ! م ی تواند روی صفحه گردان خودش یک کوزه بسازد و ناگهان این کوزه به صدا در بیاد و بگوید که این صفحه را نگه دار من نم یخواهم یک کوزه باشم ، بلکه خیلی بهتر من م یخواهم یک گلدان زیبا باشم! بله این معلومه که امکا نپذیر نیست پولوس هم همین را درباره ما و خدا بیان م ی کند که ما به عنوان مخلوق نم ی توانیم این را به خدا بیان کنیم. پولوس یک مثال از انجیل م یزند که ما را تا مغز استخوان شوکه میکند. این مثال فرعون است و همه ما این داستان را می دانیم. که فرعون 10 بار قوم اسرائیل را رها کرد و باز ولی آنها را به اسیری گرفت. 10 مرتبه خدا برای فرعون بل فرستاد. من آن موقع که بچه بودم این فکر را م ی کردم که فرعون چون انسان بدجنسی بوده این کار را کرده است. برای همین هم خدا او و سربازانش را در رود نیل غرق کرد. این داستان تقسیم م ی شود به خوبی و بدی. اما از نظر پولوس ماجرا این است که فرعون بدجنس بود چون خدا این را برای او مقدر کرده بود . فرعون یک اثر نا مرغوب بود که در آخر به تباهی رسید. این تصویری است که ما را تا مغز استخوان میخ کوب م ی کند که اگر چنین است پس عشق خدا وند چی می شود. چطور امکان دارد که خدا یک انسان را برای تباهی و لعنت آماده کند؟ این تصور از خدا را ما چطور م ی توانیم داشته باشیم که خدا فرعون را اینطور سخت دل کرده بوده است. اگر این درست است ما چطور م ی توانیم فرعون را سرزنش کنیم برای عمل کارهایش یا یهودیانی که به عیسی توهین کردند . من نم ی توانم دیگران را سرزنش کنم چون این امکان بوده که من جای ایشان باشم. من م ی توانستم درست مثل فرعون مورد لعنت قرار بگیرم؟ با این امکان آدم باید حساب کتاب کند برای همین هم پولوس نام های به فیلیپیان نوشت: شما موفق م ی شوید با ترس و لرز سعادت مند شوید! در مورد این گفته او به روشنی بیان م ی کند که ما با نیروی خودمان نم ی توانیم ایمان بیآوریم. ایمان به معنی : تئوری و نظریه و ترجمه نیست. ایمان به معنی این نیست که ما بتوانیم به راحتی همه انجیل را حفظ کنیم یا بفهمیم با روشهای دیگر به نتیجه برسیم. پولوس ایمان را بلکه به یک هدیه گران بها تعبیر م ی کند که هیچ کسی نم ی تواند این ادعا را بکند که من آن را کسب کرد هام . در نتیجه این را پولوس دنبال م ی کند که وقتی ایمان هدیه های خدایست پس بی ایمانی چیست؟ او جواب این سنوال را خیلی راحت نم ی دهد و این را نم یگوید که فرعون فقط آدم بدی بود، یا او نم یگوید که اسرائیلیها توبه نکرده بودند بنابراین ایمان نیاورند. او این را نم یگوید که آنها راه عیسی را انتخاب نکرده بودند. نه او چیز عمی قتری را نشان می دهد. دلیل در بی ایمانی عمیق تر از این حرف هاست. خدا به تنهایی در اینجا قرار م ی گیرد که کی ایمان دار و چه کسی بی ایمان است. او هر دو امکان را در دست می گیرد. و این چیزی است که ما را می ترساند. چون دیگر برای آن ما کاری نم ی توانیم جز این بکنیم که بلند بلند دعا کنیم که خدایا به من ایمان بده و این بی ایمانی همان نقشه ایست \ را از من دور کن! خدا من را رها نم ی کند تا قلب من تباه بشود و من هم یکی بشوم مثل فرعون! و این دقیقا که پولوس به ما نشان داد. در ایمان هستیم و م یمانیم ما گداه! اگر لطف و برکت مستقل بدست می آمد و اگر ایمان بدست آوردنی بود ، ما دیگر هدیه های پاک پدر آسمانی نبودیم. اما اگر ما با وجود تمام خواست های بد انسانی بتوانیم ایمان دار بمانیم

باید از این بابت تعجب کنیم و باید این را سپاس بگوییم برای این معجزه بزرگ خداوندی که از طرف خدا برای ما فرستاده شده است. پولوس همیشه این را به چالش کشیده که چطور من م ی توانم به عنوان تعقیب کننده مسیحیان و کسی که م ی خواست آنها را بکشد به عیسی ایمان اورم؟ چطور این امکان بوده خدا من را که گناهکار بزرگی بودم به عنوان مبلغ مسیحیت به سمت غیر یهودیان بفرستد؟ این باعث تعجب پولوس شده بود که این ایمان نم ی توانست به سبب دین اسرائیلیش باشد. در رومیان و در کلیساهای اولیه این را همیشه ما م ببینیم که چطور انسانها با دهان های باز و مبهوت از راز ایمان باخبر می شوند. این چطور امکان دارد، که خدا برای غیر یهودیان نیز روح القدس را نازل کرده باشد؟ این را برای مثال پطرس پرسید و پولوس آن را توضیح داد که این لطف خداوندی است و از طرف خداست و او م یخواهد ما مسیحیان غیر یهودی را متعجب کند که به اینجا آمده ایم. او م یخواهد ما را که گناهکار هستیم شگفت زده کند که هر ی کشنبه اینجا جمع می شویم. و او م یخواهد هر کسی را که برای غسل تعمید میاد را متعجب کند.

درباره جوابی که پولوس راجع به بی ایمانی داده ما نم ی توانیم پاسخ قانع کننده ای بیآوریم. بعضی چیز ها به عمد بدون جواب خواهند ماند. این برای ما روشن م ی شود که ایمان بدست آوردنی نیست و این را پولوس برای ما روشن م ی کند که این را ما م ی توانیم از روی کلم خدا بفهمیم. این چیزی که ما م ی دانیم این است که: اینکه ما ایمان داریم ، لطف خداست. و چیز دیگری که ما م ی توانیم بفهمیم این است که در زمان این دنیا که بی نهایت زمان ممکن است داشته باشد ما م ی توانیم ایمان داشته باشیم این فقط به زمان فرعون بر نمی گردد. این به زمان ما هم تعلق می گیرد. این فقط متعلق به زمان ما هم نیست بلکه در قلبهای بزرگ قرار م ی گیرد و به زمان اسرائیل هم وجود داشته است. در پایان او هدف دیگری جز این ندارد که قوم اسرائیل دوباره برگردند و دستی را که به طرف آنها دراز شده را بگیرند. او با اشتیاق زیاد فقط منتظر این است که فرزندانش برگردند و در پادشاهی او وارد شوند. و چون چنین است ما نیز به آن امید داریم. و چون چنین است ما نیز به آن ایمان داریم. و چون چنین است ما نیز اجازه داریم به عنوان فرزندان خدا در شکوه او قرار بگیریم. امین